

نگاهی به استدلال‌های
موافقان و مخالفان توافق هسته‌ای

فرصت‌ها و گلوگاه‌های توافق ژنو



امیر حسین یزدان پناه



«برنامه اقدام مشترک» معروف به توافق هسته‌ای ژنو که بمادد ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳، سوم آذر ۱۳۹۲، مورد توافق ایران و کشورهای ۵+۱ در ژنو سوئیس قرار گرفت را باید اولین توافق هسته‌ای پس از ۱۰ سال فرازونشیب‌های پرونده هسته‌ای کشورمان دانست. پرونده‌ای که در دهه‌های ۸۰ با خبرسازی‌های منافقین و آمریکا و عوامل صهیونیستی حتی روی میز شورای امنیت هم قرار گرفت و در این مدت اصلی‌ترین بهانه غرب برای تحت فشار قرار دادن ایران و انقلاب اسلامی مردم ایران بوده است. بهانه‌ای که برای حل و فصل شدن آن گام‌های زیادی در دولت دوم سید محمد خاتمی، ۲ دولت محمود احمدی‌نژاد و طی ماه‌های اخیر در دولت دکتر حسن روحانی برداشته شد. گام‌هایی که گاهی روبه عقب بود، گاهی روبه جلو و گاهی هم مسیر آنقدرین بست می نمود که امکان برداشتن گام جدید نبود. در این میان حتی در برهه‌ای که باریاست دکتر علی لاریجانی بر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی همزمان بود، مدالینه‌ای تدوین شد که می‌رفت تا برای همیشه بهانه را از دست غربی‌ها بگیرد اما حتی این گام هم در پی پاره‌ای اقدامات در دولت اول احمدی‌نژاد، به سرانجام نرسید تا کم‌کم شدیدترین تحریم‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی به بهانه مسئله هسته‌ای بر ایرانیان وارد شود. کار حتی از شورای امنیت هم فراتر رفت و دولت «باراک اوباما» از حدود ۳۰ ماه پیش شدیدترین تحریم‌های یکجانبه را به کمک کنگره‌های کشور علیه ایران تصویب و اجرا کرد. تحریم‌هایی هوشمند که با برخی بی‌تدبیری‌های دولت دهم، هم‌فاز شد و مردم به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند. در این شرایط بود که دولت یازدهم با شعار حل مسئله هسته‌ای، و این جمله دکتر روحانی در یکی از مناظره‌های تلویزیونی که «خوب است چرخ سانتریفیوژها بچرخد به شرطی که چرخ کارخانه و چرخ زندگی مردم هم بچرخد»، روی کار آمد و بلافاصله هم رفت‌سراغ پرونده هسته‌ای و با سپردن آن به محمد جواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان و یکی از باهوش‌ترین و شناخته‌شده‌ترین دیپلمات‌های ایرانی مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ وارد فاز جدیدی شد. به خصوص این که در کمتر روحانی در نخستین ماه‌های به دست گرفتن سکان دولت، باب گفت‌وگو با رئیس‌جمهور آمریکا را ۳۵ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی باز کرد تا شاید همان گونه که در رقابت‌های انتخاباتی گفته بود مستقیماً به سراغ «کد خدا» رفته باشد. روند مذاکرات هسته‌ای ایران به ویژه پس از دیپلماسی رسانه‌ای دولت، به خصوص ظریف، وارد فاز جدیدی شد و فشار را به سمت دیپلماسی فعالانه برد. دور جدید مذاکرات ایران و ۵+۱ که چهارم مهر ۱۳۹۲ در نیویورک با حضور وزرای خارجه ۷ کشور آغاز شده بود، پس از چند دور مذاکرات حساس در ژنو، سرانجام ۵۹ روز بعد در سوم آذر به توافق هسته‌ای منجر شد که می‌تواند نقطه‌ای تأثیرگذار در تاریخ ایران و انقلاب اسلامی باشد. با رسانه‌ای شدن این توافق و در پی آن انتشار «fact sheet» آمریکایی آن از سوی کاخ سفید بحث‌ها و حرف و حدیث و تحلیل‌های گاه ضد و نقیض درباره آن آغاز شد. در این میان برخی آن را حتی با قرائن داد ننگین «ترکمچای» مقایسه کردند و درست در نقطه مقابل برخی دیگر آن را پیش‌از آن که حتی امضا شود «فتح الفتوح» خوانده بودند آن را راهگشای سیاست خارجی و اقتصادی کشور خواندند و حتی عده‌ای این طور تحلیل کردند که اگر این توافق به دست نمی‌آمد، درگیر جنگ می‌شدیم. از آنجایی که این توافق ۶ ماهه است و قرار است در این بازه زمانی، و با حداکثر یک سال پس از اجرای این توافق یعنی ۲۰ ژانویه ۲۰۱۵ (۳۰ دی ۱۳۹۳)، گفت‌وگوها و مذاکرات برای دستیابی به توافق نهایی با ۵+۱ بر سر برنامه هسته‌ای ایران به سرانجام برسد در این گزارش نگاهی اجمالی داریم به شرایط پیرامونی و به عبارتی از قول موافقان باید های توافق ژنو و از سوی دیگر آن‌ها به عنوان تله‌ها یا گلوگاه‌های توافق ژنو یاد می‌شود. این نگاه‌های متفاوت البته حامیان جدی دارد که در ادامه این پرونده و در قالب مصاحبه و مقاله‌های مختلف برای دریافت رهیافتی دقیق و همه‌جانبه تقدیم می‌شود.